

IDW

۳۳

کاور

A

سونیک

جوچہ تیغی



استنلی، گراہام، فخاریان

GO
SEGA



سونیک

جوجہ تیغی

داستان و طراحی
اوان استنلی

رنگ آمیزی
رجی گراہام

حروف نگاری
شاون لی

دستیار سردبیر
رایلی فارمر

سردبیر
دیوید ماریوت

مترجم
ہدیہ فخاریان

ادیتور
معین م. قلی زادہ

Special thanks to Mai Kiyotaki, Michael Cisneros, Sandra Jo, Sonic Team, and everyone at Sega for their invaluable assistance.

For international rights, contact licensing@idwpublishing.com

IDW[®]
www.IDWPUBLISHING.com

Jerry Bennington, President • Nachie Marsham, Publisher • Cara Morrison, Chief Financial Officer • Matthew Ruzicka, Chief Accounting Officer • Rebekah Cahalin, EVP of Operations • John Barber, Editor-in-Chief • Justin Eisinger, Editorial Director, Graphic Novels & Collections • Scott Dunbier, Director, Special Projects • Blake Kobashigawa, VP of Sales • Lorelei Bunjes, VP of Technology & Information Services • Anna Morrow, Sr Marketing Director • Tara McCrillis, Director of Design & Production • Mike Ford, Director of Operations • Shauna Monteforte, Manufacturing Operations Director
Ted Adams and Robbie Robbins, IDW Founders

SEGA[®]

Facebook: [facebook.com/idwpublishing](https://www.facebook.com/idwpublishing) • Twitter: @idwpublishing
YouTube: [youtube.com/idwpublishing](https://www.youtube.com/idwpublishing) Tumblr: tumblr.idwpublishing.com
Instagram: [instagram.com/idwpublishing](https://www.instagram.com/idwpublishing)



SONIC THE HEDGEHOG #33, SEPTEMBER 2020. ©SEGA. All rights reserved. SEGA is registered in the U.S. Patent and Trademark Office. SEGA and SONIC THE HEDGEHOG are either registered trademarks or trademarks of SEGA CORPORATION. © 2020 Idea and Design Works, LLC. All Rights Reserved. IDW Publishing, a division of Idea and Design Works, LLC. Editorial offices: 2765 Truxtun Road, San Diego, CA 92106. The IDW logo is registered in the U.S. Patent and Trademark Office. Any similarities to persons living or dead are purely coincidental. With the exception of artwork used for review purposes, none of the contents of this publication may be reprinted without the permission of Idea and Design Works, LLC. IDW Publishing does not read or accept unsolicited submissions of ideas, stories, or artwork.

گفتی از کجا
گیرش آوردی؟

یه سوغاتی
از سفرم به فیس شیب،
یه راست از فایل‌های
شخصی دکتر آگمن.

بیرون کارگاه تیلز...

تسین بر انگیزه.

امیدوار
بودم از شون سر در
پیری، نابغه چون.

پوفا!
اینم از آفریش...
فکر کنم امروز بتونم از
تمرینای بوکسم بگذرم.
خب، فکر می‌کنی می‌تونم
درستش کنی؟

ممنون، ایمی.
و مطمئن نیستم...
آگمن اینو رمزی
نوشته.

بیرون رمزگشایی،
نامفهومه!

چرا از این،
حتی آگه می‌تونستم
بفونمش، امگا کارش از یه
تنظیم ساده فیلی خرابه*.
قراره یه بازسازی کامل
باشه...

خونبختانه من یک ماننن هستم. یک قرم زندگی اورگانیک ضمیمه در این شرایط سطح بالای از فننار روحی را تحمل می‌کند.

آه بتونم به شبکه آگمن وصل بشم، شاید بتونم رمز برای نقشه‌های سافت پیدا کنم. من به یه جایی با دسترسی به اگنت نیاز دارم، مثل یه پایگاه متروکه...

خیلی فب! آماده‌ام که دوباره وارد عمل بشم.

فب، اینم از لطف فوبم برای امروز... موفق باشید!

آه، تو قراره کل تفریح رو از دست بدی!

آه یهوویی فبلی مفید بودم، فودمو ضرب الاجل می‌رسونم.

نمی‌تونم صبر کنم تا ببینم امگا درست شده، بوم فبر بدید چطور پیش میره!

یو، تیلزا من یه پایگاه بالای روستای آسیاب بادی سراغ دارم؛ دکی فبلی وقته اونجا نبوده، و یه تمل پیزی که نیاز داری اونجا هست! می‌خوای بیای، ایمی؟

اییی! ز-تو و من، باهمدیگه؟ تو یه عملیات؟

قراره یه جای تاریک، سرد، اعماق زیرزمین، پر از بدنیک‌های قاتل زنگ زده باشه... روال همیشه!

اوه... فبلی هم عالی...

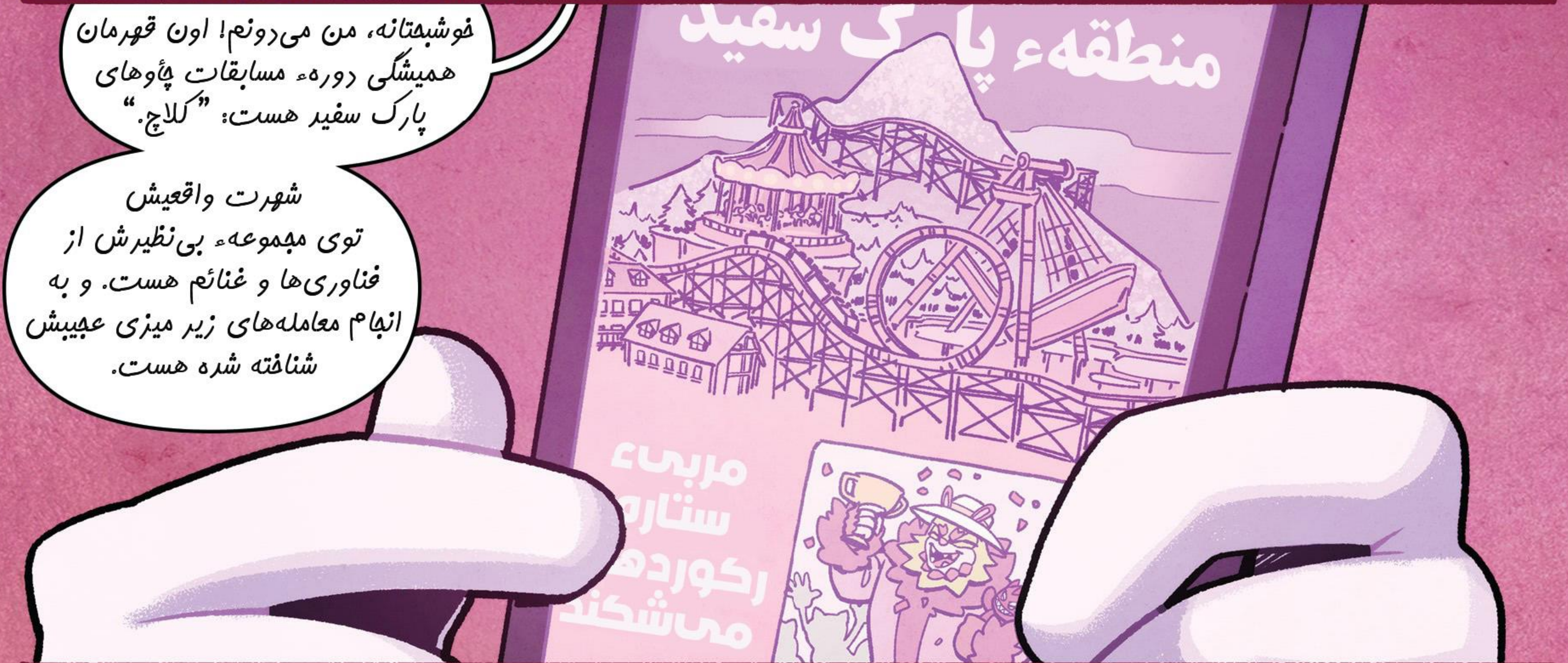
همیشه می‌تونیم روت حساب کنیم، آبی.

این مسئله نقشه‌های سافت رو حل می‌کنه، ولی هنوز نیاز به قطعات داریم.

من تجهیزات رو ندارم تا قطعات رو مثل مال آگمن بسازم، ولی آه یه ست از قطعات سری ای-۱۰۰ داشتم، شاید بتونم استفاده‌اش کنم؟ هرچند، فبلی کمیابن...

اون رو بسپاریدش به من! همش همین؟







ایمی فانوم! امروز براتون چه کاری از من ساختس؟



مسابقه پُاؤ؟ اوه، خدا، نمی دونم پارک سفید؟ کریم؟ تو والا..



اگه میمرل آسیب دیده بود، ما برای تعمیرش اونجا می بودیم!

امگا لیاقت همون لطف رو نداره؟ بر فوردر مثبت بزرگی می ذاره!

بله! دهانه های برخوردی بر اثر... صافش!

حق یه شانس دوباره رو نداره؟



اینکه صبیح... و حرف از میمرل شد، فکر کنم راستش بتونه یکم از تعمیرات استفاده کنه.

گله ای که نگرده، ولی توی نبرد آفرش آسیب دید.

آره! مطمئنم تیلز می تونه حل و فصلش کنه.

قدراره میمرل رو تعمیر کنیم؟!



سیستم های اولیه، من بعد از راه اندازی مجدد سیستم کاملاً قابل استفاده هستند. هر آسیبی که تحمل کردم صرفاً سطحی است...

اوه، مامان! اجازه میدی کمک کنیم؟

گمون کنم... اگه ایمی و میمرل باهات باشن...



برو لباس زمستونی هات رو بردار تا من یکم کلوچه بذارم واسه سفرت-- هوا تو پارک سفید سرده، ایمی هم زود می رسه اینجا!

شنیدی اینو، میمرل؟ ما داریم می ریم به یه ماجر اجویی دیگه!

چاو! چاو!

لطفاً مراقب باش، عزیزم...

بنگل، نزدیک روستای
آسیاب بادی

”...می‌دونی که مقدر این
ماچراجویی می‌تونه فطرناک باشه!“



مطوری اینها
رو پیدا کردی؟

تو یکی از دو هام
پیداش کردم.

هواسم به اینهور
پیزا هست وقتی
بینمشون.



موندم چرا
آگمن این یکی رو
رها کرده...

شاید به دست
بردنیک‌های شیخ
تسغیر شده!

آه،
بس کن!



اونا فقط توی
ماه کامل میان بیرون...
مواظب باش، اونا
می‌شوانن فوتت رو بملکن!



فکر کنم بالافونوات سیم‌هاش
یه مقدار به هم پیچش خورده.

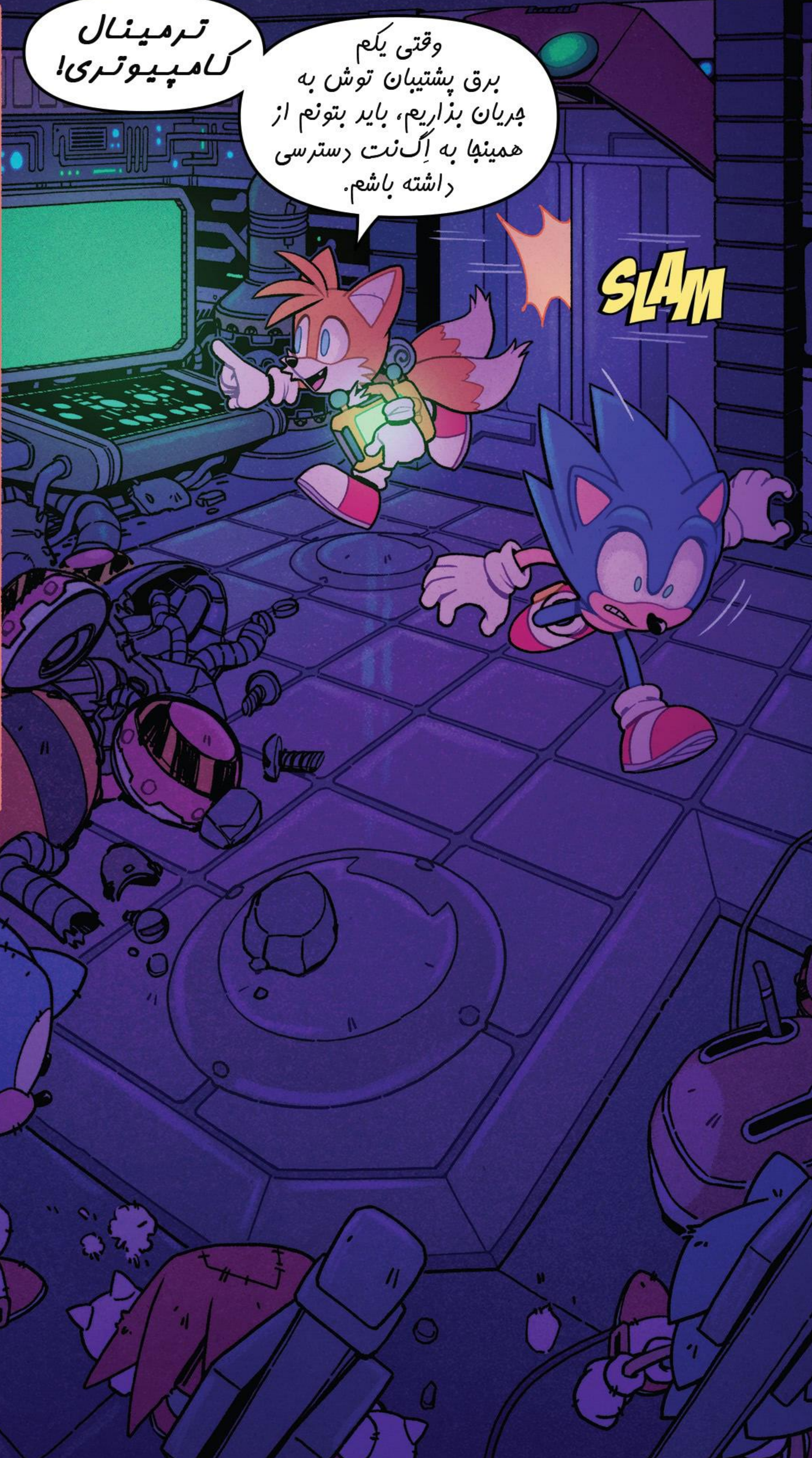
چی؟
نه!
عمرآ!





آه،
یکی هست!

اوووفف--
یکی چی؟



ترمینال
کامپیوتری!

وقتی یکم
برق پشتیبان توش به
چریان بذاریم، باید بتونم از
همینجا به اگنت دسترسی
داشته باشم.

SLAM



اییش، هر فمو در مورد
بردنیک های شیخ پس
می گیرم، اینا همینجوریش
هم ترسناکه.



هر اقلش
تنها نیستیم...

در همان زمان...

اینهاش--
پارک سفید!

وای،
فیلی
فوشکله!

پشم اندازه‌های نفسگیر،
اقامتگاه‌های لوکس، و یه انبار
کنج مفقی منتظر پیدا شدن... یه
دفتر بیشتر از این چی می‌خواید؟



می‌دونم از نظر
فنی این یه تعطیلات نیست،
ولی بعد اون همه مدت کاغذبازی
تو مقر اصلی بازگردانی،
تغییر فوبیه...



چی--
شرو؟!

هالا چطور؟
سلام علیک،
فوشتیپ.



تج--
مثل همیشه.



تو اینجا چه کار می‌کنی؟ چیزی نیست که به تو ربطی داشته باشه.

صبر کن -- در تلاشیم تا امگا درست بشه! یه کمک بد نیست!

...راغب نیستم.



آه! چرا باید اینقدر بد اخلاق باشه؟

به فودت بگیر... تازه این باردیش بود، برای فودش.



"چرا از این، یه چیزی بوم می‌گه که دوباره می‌بینیمش."



بعد از یک رانندگی کوتاه...

آماره کلاس فشرده هقه زنی باشید... یادتون باشه، اگه کسی پرسید، من "حسبت" هستم.

شروع



مکالم بشین، امگا.

من پا ندارم، این منطقی نیست.

من -- فقط ساکت باش.



دنبالم بیاید و عادی رفتار کنید. با یکم شانس، هیچکس نمی‌فهمه که ما تا حالا اینجا بودیم.

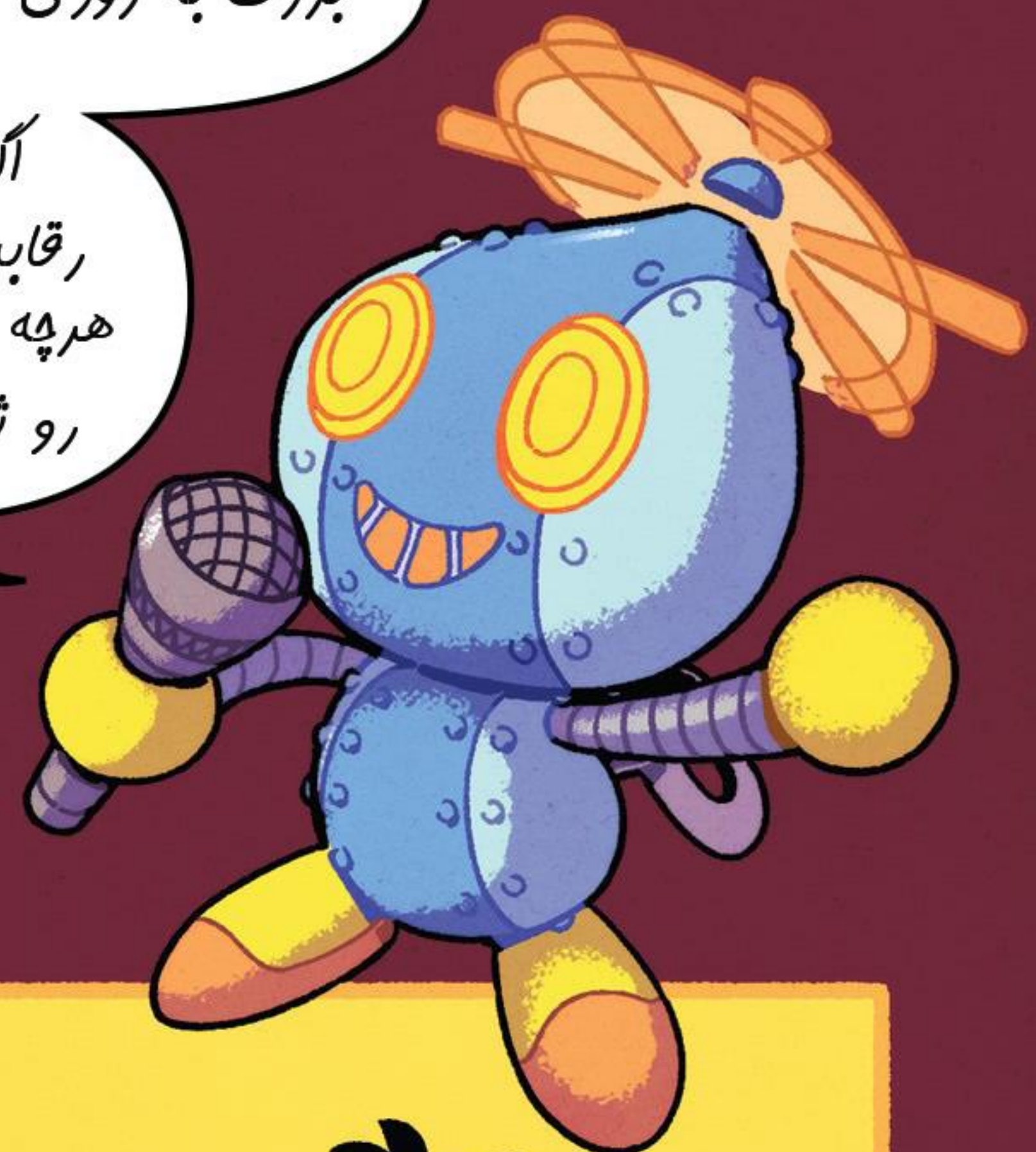


مهمانان
عمارت، توبه
کنید!

اوموچا و صحبت
می‌کنه، من سرپرست تشریفات
رویدار امروز فوادم بود!

دور صلاحیت مسابقه
بزرگ به زودی آغاز میشه.

آله می‌فواید
رقابت کنید، لطفاً
هرچه زودتر پائوتون
رو ثبت‌نام کنید!



بهنتره شما
دوتا رو ثبت‌نام
کنم!

میرم یه جای
فوب برای تماشا
پیدا کنم!



بیششید، این دختر کوچولوی عزیز فیلی
هیجان‌زدس تا وارد مسابقه بشه، حقیقتاً
اصلاً نمی‌تونه صبر کنه! اشکالی
نداره آله ما...؟

تو
بامزه‌ترین--
هتماً!



شرمنده، ولی به بچه‌ها
اجازه مسابقه دارن
نمی‌دیم.

این قائم جوان
دوست داره پائوش
رو وارد مسابقه کنه.

آ-ها-ها...
منظورم اینه که من
قائم جوانم!



البته!
اینجا رو امضاء
کنید، لطفاً!

مهمانان
عمارت، مسابقه
صلاحیت داره شروع
میشه!



۵۰ پائو اولی
که از قط پایان رد
بشن وارد مسابقه بزرگ
ما میشن، که فردا
آغاز میشه.

موفق باشید،
و مسابقه شادی
داشته باشید!

موفق باشی،
پیزا!



تمایل به فریب:
شناسایی تند.

آه
نگاه کن، پیز
اونچاست!

اسمم "فانم فست"
هست، و در موردش
نگران نباش.

فانوم روژ،
برای پی دروغ گفتید؟
فوب نیستش که
حقیقت رو نگیر!

با یکم
دروغ مصلحتی
پیزی همیشه.

چه ضررالی
هستی.



سرا بالا،
مرد ما اینته...

کلاج؟

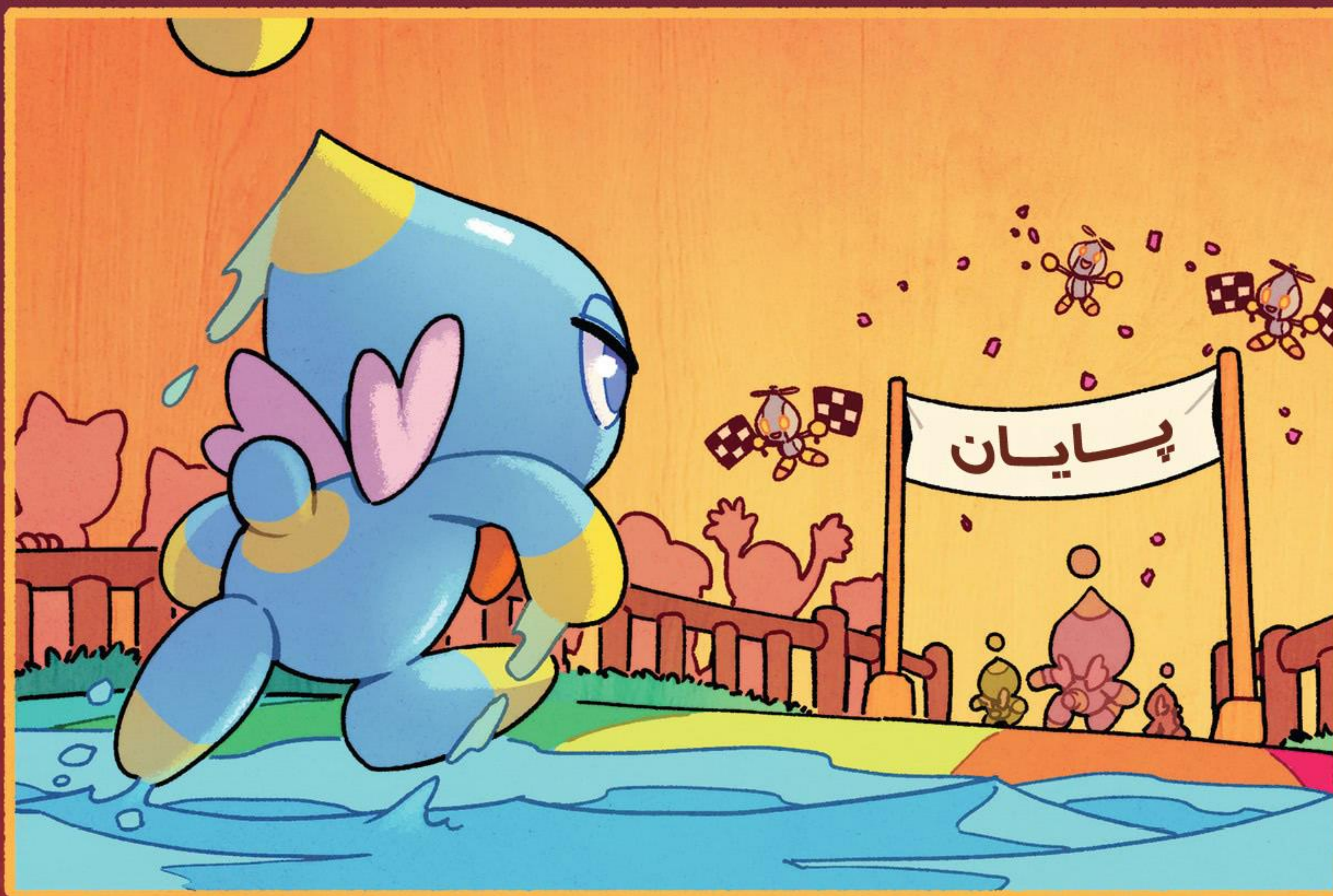
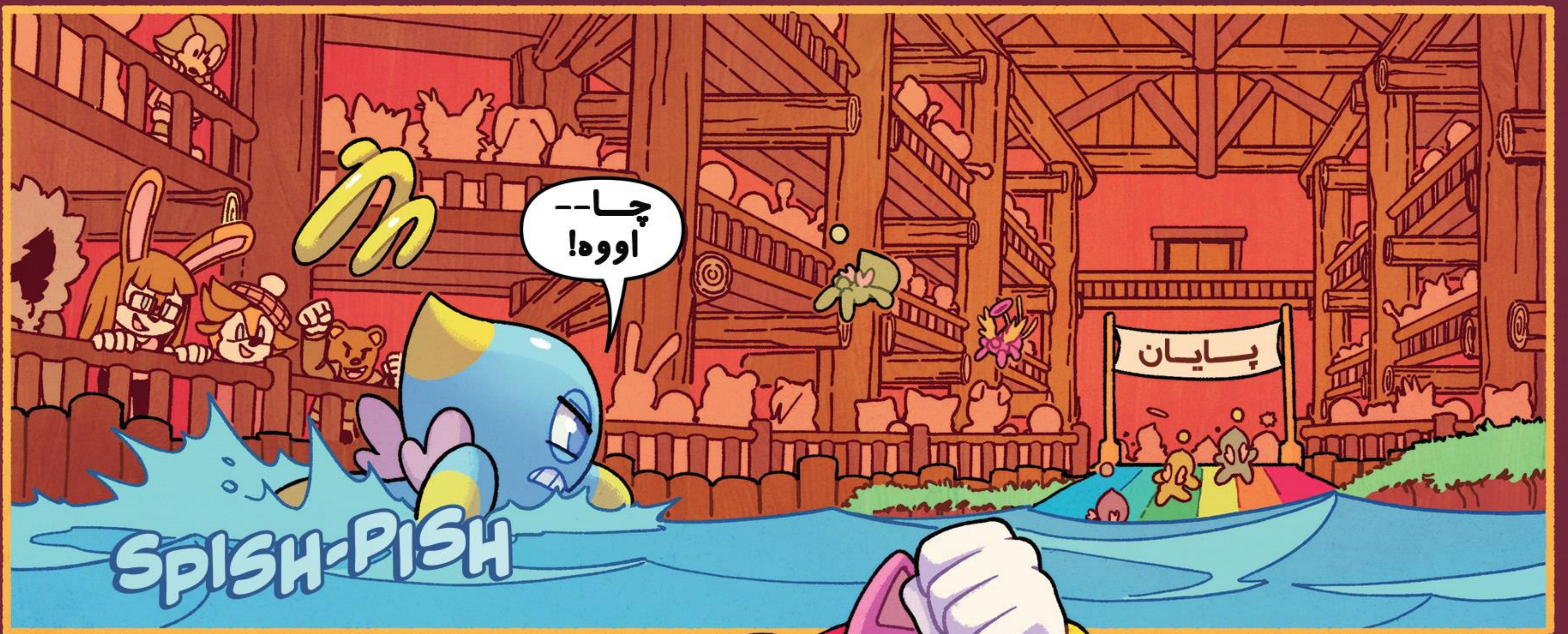
آه توصیفات
که شنیدم باورپذیر
باشن، به هر حال من
واسه این همه مو
آماره نبودم.



چاووو!

FWEEET







شتاب دقیقه آفری هم کاری کرد که وارد دسته سلامت یافته بشه.





باید اعتراف کنم،
اینطور که نقشه‌ها پیش
میرن، این یکی فیلی
باهاله!

نقشه‌های
من همیشه باهال
هستن.



عصر بگیر،
فانم‌ها.



اجازه بدید خودم رو
معرفی کنم.
--من

لطفاً عقب
برید، جناب.



آقای کلاچ! ازتون فیلی حرف و حدیث شنیده میشه. دوستای من
رو ببخشید، اونا به همپین محیط فر هیفته‌ای عادت ندرنر.

هی!

فواشش
می‌کنم، فست
صدام کنید.



فوشبقتم، فانم فست. من یه ممل قرار با
تمام مربی‌های جدید عمارت می‌ذارم،
مخصوصاً وقتی همپین پآو منصر به فردی
همراهشون دارن.

فونه من مجموعه
پنت‌هاوس هستش؛ بعداً
امشب یه سری بزید و درمورد
کار صحبت می‌کنیم.

در من همیشه
بازه... قول میدم ارزش
وقتتون رو داره.



این یه
قراره.



و اینپوری همه
پیزو راست و ریس
می کنی!

یه ذره
پیش از هر راحت
به نظرم هست.

اوه، اون هتماً
تو آستینش یه پی
داره.

ولی سر
فوشکلتونو در این باره
نگران نکنید؛ خودم
از پیشش برمیام.



برید و
یه اتاق واسه شب
رزرو کنید، و منتظرم
نمونید.

باشه...
ولی فقط به این فاطر
که از وقت خواب
کریم گذشته.

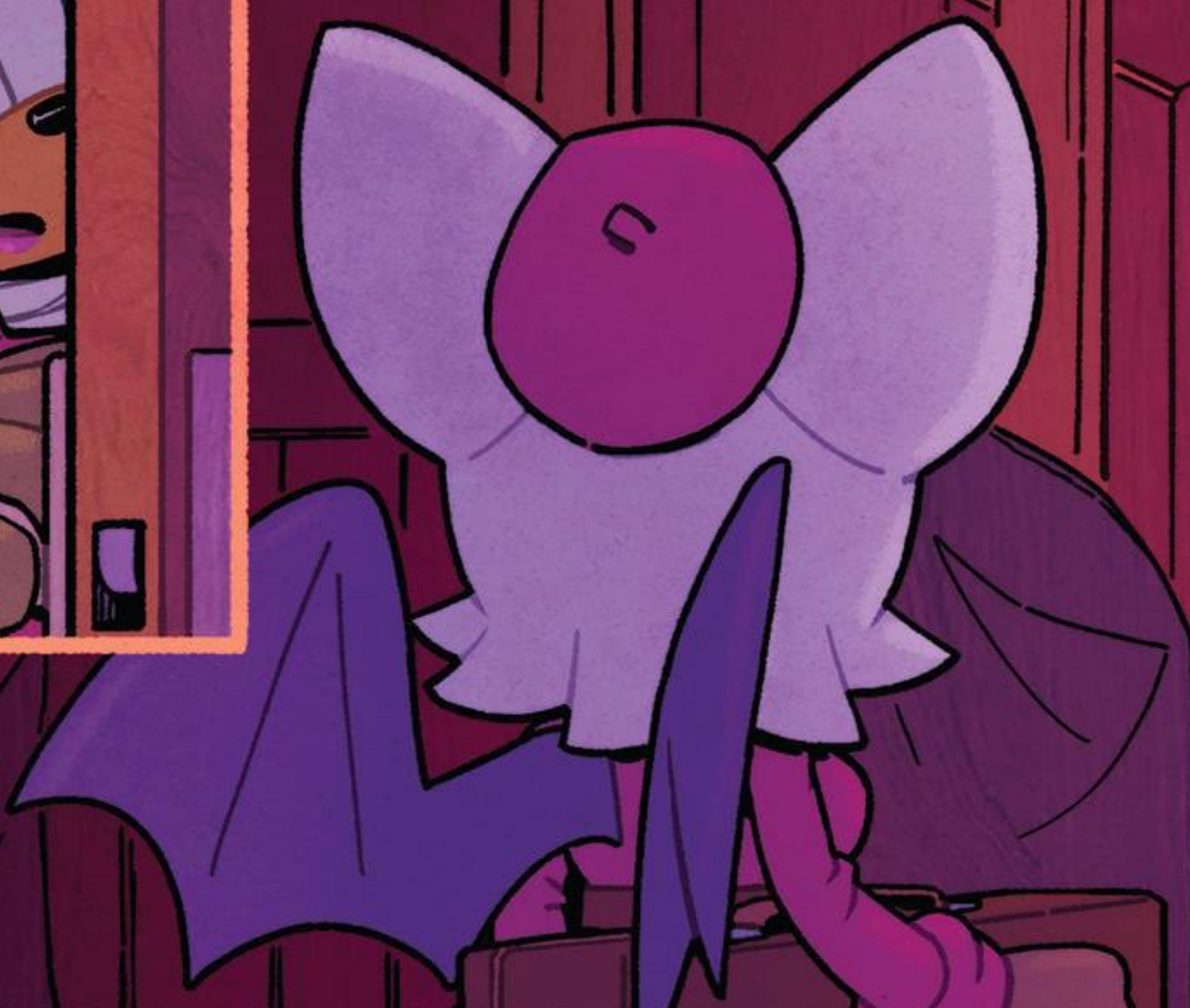


بعتر اون شب...

پنت هاوس...
باید این باشه!



لطفاً،
بفرمایید داخل.



پووف...
فونهداریش به اندازه
بهراشت ششمیش
شدید هست.



هرچند
زیبایی قاص خودش
رو داره.



فوبه، پیدام کردید...
بعضی از مهمونام یکم توی
مجموعه کم میشن.



باور دارم چیزی دیدید
که مورد پسندتون بوده،
روژ فقاش؟

اسم من
فست--

فود تو اذیت نکن.
من روی گنج ناپیزی نشستم،
و تو هم معروف ترین دزد دنیایی.
در نهایت قرار بود اتفاق بیفته.



من اصطلاح "شکارچی
گنج" رو تریج میدم...
...

هاه! پس شکارچی گنج.
روژ، ما هر دو چیزی داریم که طرف
مقابل می‌فواز. چرا به معامله
نکنیم؟



من به مربی پائو و
از فوباش هستم. من فقط
بهترین رو می‌فوام. و اون
پائویی که امروز باهاش
مسابقه دادی... می‌تونم
افسانه‌ای کنم.

فلاصه‌اش اینه: آگه
اون الماس نتراشیدتون
توی مسابقات فردا بتونه
نفر اول بشه، من هرچی
بفواید از مجموعه‌ام
بهتون میدم...
در عوض پائو.



نگران نباشید،
من با پائو هام فوب
رفتار می‌کنم... تا وقتی
که برای من برنده
باشن.



نیاز دارم بوش
فکر کنم.

البته!
البته!

همتا موقع رفتن
قشنگ به نگاه بندازید به
مجموعه من از سنگ‌های
قیمتی، واقعاً نمونه‌های
تمسین برانگیزی‌ان.

تناقض شناسایی نند: چاو "چیز" جزء دارایی تو نیست. چگونه می‌خواهی به دستتت آوری؟ با خنثونت؟

بیخیال.

قرار نیست بهوش پینز رو برم.

البته، لازم نیست کلاچ اینو بدونه.

با دقت گوش کن، امگا. برات یه کاری داریم.

لمظاتی بعد...

و تمام. این باید جالب باشه.

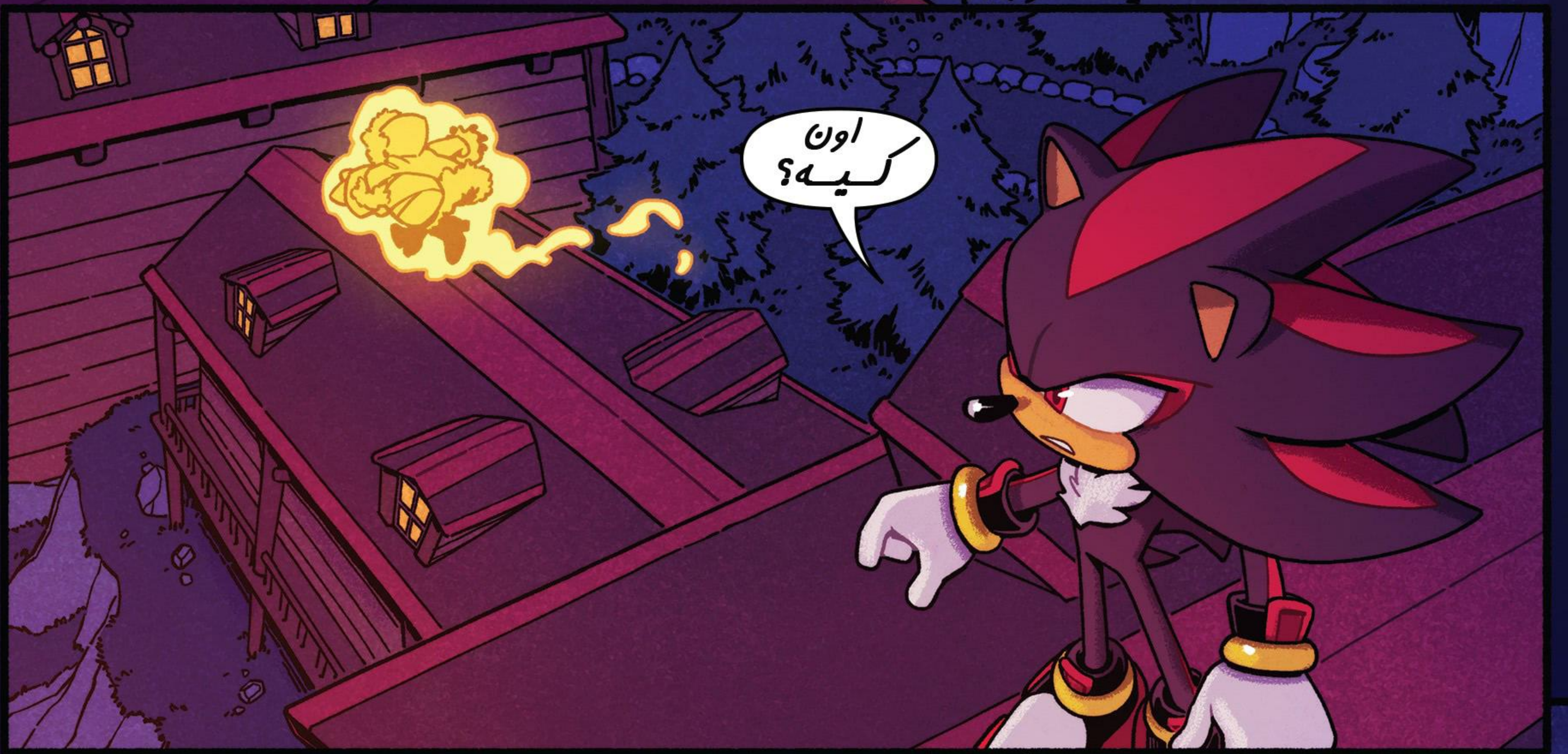
اووه، پقدر تهدید آمیز. از وقتی رسیدیم داشتی دنبالمون می‌کردی، مگه نه؟

یکی از دوستای صمیمی کلاچ، برای یکم تهدید اضافه؟

تو--ا

یه بن بست دیکه...
اینجا هیچ نشونی از کار دکتر
نیست، فقط بازی‌های مسفره و
سرگرمی‌های احمقانه. فکر کنم شایعه
تاچر ربات اینجا اشتباه بوده.

ایمی و روژ
اینجا چکار می‌کنن؟ همینطور
هم کریم... من می‌تونم--
نه. مشکل من نیست.



اون
کیه؟



شاید هرچی
نباشه شایعه‌ها یه
پیزی بودن...

...توا
وایستا



با دویدن
فود تو ازیت
نکن، نمی‌تونن
از من خدار
کنن.



همونطور که
گفتم، خودتو ازیت
تکن. برای دکتور
اکمن کار می کنی،
یا--؟



به حق چیزای
ندیده...



قسمت بعدی:
مسابقه در جریان!



طراحی اوان استنلی



طراحی جیجی دوترکس رنگ آمیزی رجا گراهام



طراحی ناتالی فوردرین